



حجب یا حجاب

پدیدآورنده (ها) : صدر، سید موسی

میان رشته ای :: نشریه مکاتبه و اندیشه :: تابستان ۱۳۸۹ - شماره ۳۵

صفحات : از ۱۶ تا ۲۳

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/862556>

دانلود شده توسط : مجتبی مزروعی

تاریخ دانلود : ۱۴۰۱/۱۱/۲۳

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- خصوصیات روان سنجی پرسشنامه ی نظم جویی شناختی هیجان
- قیومت و شخصیت زن
- بررسی عملی بودن اعتبار روایی و نرم یابی مقیاس هوش هیجانی در گروه دبیران شهر تهران
- تأثیر قصه گویی مبتنی بر آموزش مهارت های اجتماعی بر بهبود مهارت های اجتماعی و مشکلات رفتاری دانش آموزان پسر هشت تا ۱۰ ساله مبتلا به اختلال رفتار مقابله ای و بی اعتنائی (ODD)
- تأثیر رتبه ی تولد بر ویژگی های شخصیتی دانشجویان با استفاده از آزمون شخصیتی نئو
- بررسی ساختار عاملی و مشخصات روانسنجی مقیاس طرحواره های هیجانی بر روی دانشجویان
- تعامل رفتاری همسران از نگاه اسلام و روان شناسی
- ارتباط برخی ویژگی های شخصی، ترتیب تولد و زمان تولد با موفقیت ورزشی دختران نوجوان ورزشکار استان مرکزی
- مطالعه کیفی تجارب مردان و زنان طلاق گرفته از عوامل فرهنگی زمینه ساز طلاق
- تحلیل مفهومی سبک زندگی
- انسان شناسی فرانسویس بیکن و بحران های زیست محیطی
- پیش بینی اضطراب اجتماعی با توجه به صفات شخصیتی و خودکارآمدی

عناوین مشابه

- حجب یا حجاب
- نظارت فراگیر بر بازار پول با خرق حجاب شخصیت حقوقی: محدود یا سلب کردن حقوق سهامدار مؤثر
- بررسی فقهی حقوقی حاجبیت یا عدم حاجبیت «حمل» در حجب اخوه نسبت به مادر
- علم «نور» یا «حجاب»
- حجاب: احقاق یا نقض حقوق شهروندی زن
- آیا حجاب زنان و مردان، یک امر خصوصی است یا مساله عمومی؟
- حجاب، ارزش یا روش؟
- پژوهش: حجاب؛ گرایش یا گریز؛ بررسی تمایل یا عدم تمایل دانش آموزان به رعایت حجاب
- کشف حجاب؛ تمدن بیگانه یا اسلام ستیزی شاهانه
- حجب النور/ شرح حجاب های نورانی معرفت، در شعر حضرت امام (س)

حجب یا حجاب^۱

سید موسی صدر

زنان در بسیاری از جوامع و فرهنگ‌ها مورد طعن و کنایه بوده‌اند و تعابیر، ضرب‌المثل‌ها و نکته‌های انتقادی مختلفی درباره آنان گفته شده است.

این پدیده به گونه‌های مختلفی قابل تحلیل است. از نگاه زنان، این تعابیر آزار دهنده، نمودی از مواضع سلطه جویانه و خود خواهانه مردان در طول تاریخ است. و از نگاه مردان، تعبیرهای انتقادی از زنان ریشه در عملکرد خود آنان و مکرها و ترفندهایی دارد که به کار می‌گیرند تا آراء، دیدگاهها و تمایلات خود را تحقق بخشند!

اما اگر نگاه و تحلیل را فراتر از نگاه هر یک از دو جنس به دیگری، قرار دهیم و در جستجوی دلیلی ریشه دار تر برای رفتار طبیعی انسان‌ها باشیم، می‌توانیم به این واقعیت برسیم که در لایه‌های زیرین این انتقادهای و عیب جویی‌ها چند نکته مهم نهفته است.

۱. زن در همه جوامع و همه فرهنگ‌ها از توانمندی ویژه‌ای برخوردار بوده است که مردان فاقد آن بوده‌اند.

۲. مردان با همه برتری قوای جسمی و صلابت روحی در هم‌آوردی با زنان در زمینه برتری‌های ویژه آنان، احساس ضعف و ناتوانی می‌کرده‌اند.

۳. وابستگی مردان به زنان چنان جدی بوده است که معمولاً قادر به چشم پوشی

۱. برگرفته از فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵۲-۵۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، ص ۱۰۴-۹۳.

از زندگی مشترک و یا کنار نهادن زن از صحنه زندگی نبوده‌اند.

اگر این سه عامل را کنار هم گذاشته و با هم ملاحظه کنیم؛ ۱. نیاز ۲. ناگزیری ۳. نابرابری سلیقه‌ها و تمایلات و نگاه‌ها، متوجه می‌شویم که نیاز و ناگزیری مردان از زندگی با زنان و دلبستگی به آنان از یک سو و تنوع نگاهی و سلیقه‌ها و انتخاب‌های آنان از سوی دیگر دو حالت متضاد را در مردان شکل می‌داده است، حالتی که میان دو قطب دلباختگی و بدبینی در نوسان بوده و هست، از یک سو شاعران همواره در لطیف‌ترین استعارات شعری، ابرو و گیسو و قامت و نگاه زن را ستوده‌اند و به عاریت گرفته‌اند، و از سوی دیگر در مکر و سلطه جویی و ناسازگاری و فزون خواهی او زبان به طعن و تمثیل گشوده‌اند. گاه او را مظهر محبت و فداکاری و شکیبایی دانسته‌اند و زمانی وی را به بی‌وفایی و حسادت و خودخواهی و سبک سری متهم کرده‌اند. گاه او را فرشته خوانده‌اند و زمانی وی را شیطان نامیده‌اند!

چنان‌که گفته آمد، سرّ این تناقض‌گویی و تناقض‌پنداری مردان درباره زنان، این است که مرد از یک سو به زن نیاز دارد و مجذوب و مفتون او است پس او را می‌ستاید، از سوی دیگر احساس می‌کند که این جذب شدن و شیفته شدن هزینه فراوانی را بر دوش او نهاده است و در واقع آزادی او را سلب کرده و گاه تا سر حد اسارت و جنون وی را پیش برده است، اینجا است که احساس نگرانی و خطر می‌کند و لب به انتقاد و عیب جویی می‌گشاید.

اگر سؤال شود که به هر حال، این مشکل، مشکل مردان است یا زنان؟ باید گفت، مشکل یاد شده متوجه خود مردان است، اما مردان به رغم تواناییهای مختلفی که دارند و به طور طبیعی بارهای سنگین زندگی چون جنگ با دشمن، دفاع از خانواده، تأمین معاش و ... بر عهده آنان است اما معمولاً خود قادر به حل این مشکل نیستند بلکه کلید حل این مشکل در دست زنان است. آنچه مسأله را پیچیده‌تر کرده، همین است که اسیر نگاه و جمال و محبت زن، کلید زندان خویش را در اختیار ندارد و در چنین شرایطی است که وقتی عرصه بر او تنگ

می‌شود، زبان به تندی و اتهام و گلايه می‌گشاید، ولی آیا همین نیاز و ناگزیری که مردان به زنان دارند، به صورت متقابل وجود ندارد، آیا زنان به همان اندازه نیاز به وجود و حضور مردان و همزیستی با آنان ندارند؟

از نگاه قرآن، طرح وجود زن و مرد، طرحی متقابل است و همچنان که زنان لباس و پوشش دهنده نیازهای روحی و جسمی مردان هستند، مردان نیز همین نقش متقابل را برای زنان ایفا می‌کنند اما وجود این طرح متقابل به معنای همسانی کارکرد آن دو، در نظام طبیعت نیست بلکه بر عکس این تفاوت جاذبه‌ها، روش‌ها و کارکرد است که به مسأله زوجیت معنا بخشیده و مکمل بودن را رقم زده است. قرآن که در بیان تساوی نهایی زن و مرد در طرح آفرینش می‌گوید: «هُنَّ لِيَاثُ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَاثُ لَهُنَّ» (بقره / ۱۸۷)

در بیان کارکرد هر یک از آن دو و نقشی طبیعی که ایفا می‌کنند، بیان متفاوت دارد.

قرآن، نقش زنان در زندگی روزمره انسانها را، آرامش بخشی و فارغ شدن از فشارهای جسمی و روحی زندگی می‌داند:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم / ۲۱)

«و از نشانه‌های الهی این است که برای شما همسرانی قرار داد تا در کنار آنان آرامش یابید.»

ولی وقتی می‌خواهد نقش و کارکرد مرد را در زندگی برای زنان ترسیم کند می‌گوید:

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء / ۳۴)

«مردان مایه قوام و پایداری - مادی و معنوی - زنانند.»

دو تعبیر «لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» و «قَوَّامُونَ عَلَى» که در یکی «الی» و در دیگری «علی» به کار رفته است و همچنین دقت در متن معنای «لِتَسْكُنُوا» و «قَوَّامُونَ» می‌نمایاند که در کارکرد عینی، نقش پناهگاه، آرامش، تکیه گاه بودن، قوام بخشیدن و حمایت مقتدرانه از زندگی، به مردان واگذار شده است.

زن سایبان است و مرد تکیه گاه، اگر این سایبان به استوانه‌ای مستحکم و معتمد تکیه داشته باشد، آرامش، آسایش و امنیت پایدار به زندگی انسان می‌بخشد ولی هریک بدون دیگری، زندگی را دشوار، غیر قابل آسایش و امنیت می‌کند.

جذائیت و دلبری از لوازم کارکرد طبیعی زنان

بر اساس آنچه یاد شد، اگر زن می‌بایست در صحنه زندگی، نقش سایبان بودن، آرامش بخشی و التیام دهنده‌گی را ایفا کند، ناگزیر باید لوازم و امکانات و ابزار آن نیز مجهز باشد و خداوند این تجهیز را در دو ساحت انجام داده است ۱. در بعد فیزیکی و اندام ظاهری زن. ۲. در بعد روحی، عاطفی و لطافت شخصیت او. زن با جمال و تجمل خویش، عنصری فعال، تأثیرگذار، فراخواننده و قاهر است و شگفت این که با انعطاف و انفعال ذاتی خویش، این تأثیر گذاری را افزایش می‌دهد پایدار می‌سازد و ژرفا می‌بخشد.

زن در نظام طبیعی انسان، صیادی است که صید می‌کند تا محبت بورزد و پیروRAND و ابزار این صید و امکانات آن که محبت ورزی و نوازشگری است به او داده شده است.

چنان که مرد در نظام طبیعت، سلطانی است که اقتدار می‌ورزد تا حمایت کند و امنیت دهد و ابزار این اقتدار جویی در دو ساحت جسمی و روحی به او داده شده است.

اما تاریخ از صیادان و سلاطین خاطره‌های سختی را به یاد دارد صیادانی که برای تفریح و لذت خود صید کرده اند و صید زخمی را به خود وا می‌نهادند یا می‌کشته‌اند.

سلاطینی که اقتدار خود را با جباریت و خود خواهی و بی‌رحمی قرین کرده اند و خود بزرگترین نا امنی را برای دیگران فراهم آورده اند.

نقش «صیادی» و «سلطنت» اگر در هم آمیزد، فاجعه ای سخت رخ می‌دهد. صیادی که صید کند تا بر صید خویش سلطه یابد و آن را اسیر و برده خود کند و

زنی که دلبری و جلوه گری کند، با زیبایی و جمال خویش فرمانروایی کند، از ابزار خدا دادی خویش علیه اهداف هستی سود برده است.

و سلطانی که عاشق صید و صیادی شود و از قدرت و امکانات خویش برای صید دیگران بهره جوید، کشتار گاهی به بزرگی حرمسرای پادشاهان خواهد داشت! و از «مردی» حیوان نر را به نمایش خواهد گذاشت که به چیزی جز نیاز جنسی پاسخ نخواهد داد و قبل از آن و پس از آن هیچ تعهدی را نخواهد پذیرفت.

حجب، جمالِ جذائیت

تدبیری که خداوند به کار برده است تا زنان از جمال و جذائیت خود در جهت ساختن و آرامش بخشی و اعتدال جامعه انسانی سود ببرند و ابزار کار آمد دلبری را در جهت سلطه و فریب به کار نگیرند، قرار دادن عنصر حجب و حیا در روح زن است.

حیا و عفاف هم برای زنان لازم است و هم بر مردان تا گام از حریم اخلاق و اصول پذیرفته شده انسانی و الهی بیرون نهند، اما به دلیل توانمندی‌ها و جاذبه‌های خاصی که خداوند در زن قرار داده، عنصر حیا و عفاف، ضرورت بیشتری یافته است.

اگر در برخی روایات آمده است که تمایلات طبیعی زنان افزون از مردان است، می‌تواند اشاره به جنبه‌های روحی و بدنی جاذبه آفرین زن باشد و نیز اگر آمده است که حیای زنان بیش از مردان است و باید باشد، بدان جهت است که همپای آن جاذبه و جلوه، اگر عفاف و حجبی هم وزن و هم سطح و نیرومند وجود نداشته باشد، از زن، عنصری فریبکار، سلطه جو، خود خواه و هوس پیشه پدید خواهد آمد، همان که در طول تاریخ مورد انتقاد قرار گرفته است و قرآن نیز به عنوان یک نمونه منفی، از آن در سوره یوسف یاد کرده است تا یکبار و برای همیشه هشدار دهد که اگر جمال و جلال، فارغ از حجب و عفاف باشد، نه مردان فاسد و هوس ران که مردان نیک اندیش و پاک را اسیر می‌کند و اگر نتواند روح

آنان را بیالاید، جسمش راهیچ گناه زندانی می‌کند.

حجاب زنان، طرحی برای پایداری عفاف آنان

چنان‌که گفته آمد، نیروی حیا و حجب که عنصری درونی و روحی است، تدبیری از سوی خداوند برای کنترل آنان بر استفاده درست از جمال و جذابیت خود در عرصه زندگی و جامعه است.

علاوه بر این خداوند تدبیری دیگر نیز به کار گرفته است تا زنان در تحکیم عفاف و حیای درونی خود موفق تر باشند و رعایت عفاف، آسان‌تر صورت گیرد و آن عبارت است از طرح «حجاب». از این رو خداوند احکام مربوط حجاب را چنین یاد کرده است: ﴿وَلَا يَبْدِيَنَّ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا... وَلَا يَبْدِيَنَّ زِينَتَهُنَّ... وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يَخْفَيْنَ مِنْ زِينَتِهِنَّ﴾ (نور/۳۱)

«و زینت‌های شان را - جز آنچه که خود نمایان است - آشکار نکنند و باید روسری خود را بر گریبان خویش فرو افکنند و زینت خود را ... آشکار نکنند و پاهای خود را به گونه ای بر زمین نکوبند که زینت‌های مخفی آنان معلوم شود» ﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (نور/۶۰)

«و بر زنان و انشسته ای که امید ازدواجی ندارند گناهی نیست که لباس‌های خود را کنار بگذارند بی آنکه زینتی را آشکار سازند»

﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب/۳۳)

«و در خانه‌های تان قرار گیرید و جلوه گری جاهلیت پیشین را در پیش مگیرید» ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾ (احزاب/۳۲)

«ای زنان پیامبر اگر شما تقوا پیشه کنید مانند هیچ یک از زنان دیگر نیستند پس در

سخن گفتن نرمی نکنید تا آن کسی که در دل مرضی دارد طمع کند و سخنی پسندیده بگوید»

این نهی و باز داشتن بدون تردید از آن جهت صورت گرفته است که تمایل به جلوه نمایی به صورت طبیعی در زنان وجود دارد و اگر مدیریت و کنترل نشود منجر به لغزشهای جدی می شود اما در مورد مردان نسبت به زنان چنین خطاها و نواهی وجود ندارد این نشان می دهد که از نظر قرآن در مردان این زمینه و مقوله های مشابه به صورت طبیعی و بنیادی وجود ندارد که آنان را به آرایش و جلوه گری اندامی وا دارد و به جلب توجه زنان بکشاند، هر چند پدیده خود آرایی در حد ضعیف تر و عارضی تری در مردان نیز مشهود می باشد، اما گویی خود آرایی مرد، در میدان روابط آنان با زنان، حرف اول را نمی زند و اهرمی بنیادی به حساب نمی آید. از جمله آیاتی که نشان می دهد، سهم زنان در پاکی جامعه بیشتر و مهمتر است و اگر خطا و ناپاکی مشترکی صورت گیرد، این زن است که بگونه ای از توانمندی جنسی خود پاس نداشته و از عنصر حیا چشم پوشیده و درب حریم بر روی بیگانه گشوده است! این آیه می باشد که در خطای واحد، نام زن بدکار را بر مرد بدکار مقدم آورده است:

«الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا»

«زن زناکار و مرد زناکار را هر کدام صد ضربه شلاق بزنید»

آفات حجب و عفاف، در زنان

الف - مراودات و رفت و آمدهای ناصحیح: «امْرَأَةُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا» (یوسف / ۳۰)

«زن عزیز با رفت و آمدهای پیوسته خود، تلاش می کند تا خدمتکارش را به خود فرا خواند، محبت او لبریز شده و وجودش را پر کرده است.» (مصطفوی،

(۴/۲۷۱)

از این آیه استفاده می شود که رفت و آمدهای نادرست از یک محبت و علقه

طبیعی می‌تواند یک انحراف و بیماری بیافریند.

ب- به نمایش گذاشتن زینتها، آرایه‌ها و زیبایی‌های طبیعی: ﴿وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾ (نور/۳۱)

«و زینت‌های شان را آشکار نکنند»

﴿غَيْرِ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ﴾ (نور/۶۰)

«بی آنکه زینتی را آشکار سازند»

﴿وَقَوْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾ (احزاب/۳۳)

«و در خانه هایتان قرار گیرید و جلوه‌گری جاهلیت پیشین را در پیش مگیرید.»

ج- نرمش در سخن گفتن: ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾ (احزاب/۳۲)

«پس در سخن گفتن نرمی نکنید تا آن کسی که در دل مرضی دارد طمع کند و سخنی پسندیده بگوید.»

د- انتخاب دوست از جنس مردان: ﴿وَلَا مَخْذَاتٍ أَخَذَانِ﴾

«و نه آنکه محرمانه دوست بگیرید»

ه- خلوت با مرد بیگانه در محیط بسته: ﴿وَعَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ﴾ (یوسف/۲۳)

«درها را محکم بست و [در حالی که خود را آماده کرده بود به یوسف] گفت، بیا، بشتاب»

و- ارتباط با محافل و جمع‌های ناسالم: ﴿قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَنِي فِيهِ وَلَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا آمُرُهُ لَيَسْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا مِنَ الصَّاغِرِينَ﴾ (یوسف/۳۲)

«بانو گفت: این است آن کسی که مرا در عشق او سرزنش کردید آری من از او کام خواستم ولی او خویشتن داری کرد و اگر آنچه را به وی فرمان می‌دهم انجام ندهد قطعاً زندانی خواهد شد و خوار و بی‌مقدار خواهد گشت.»